

شیوع بی‌فرزندگی طول عمر در استان خوزستان و عوامل همبسته با آن*

هنگامه آریا نژاد**، جعفر کرد زنگنه***، منصور شریفی****

چکیده

در چند دهه اخیر، کشور ایران با پدیده فرزندآوری پایین و بی‌فرزندگی مواجه شده است. پژوهش حاضر با هدف بررسی شیوع بی‌فرزندگی طول عمر (بی‌فرزندگی دائمی) بین زنان دارای همسر ساکن در استان خوزستان با استفاده از ۲ درصد از داده‌های خام سرشماری ۱۳۹۵ (قابل دسترس در وب سایت مرکز آمار ایران) انجام شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که ۵/۳ درصد از زنان متأهل ۴۹-۴۰ ساله استان خوزستان، بی‌فرزندگی طول عمر دارند. بررسی اثر هم‌زمان متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته و پیش‌بینی بی‌فرزندگی طول عمر با استفاده از رگرسیون لجستیک دوجبهی مشخص نمود که سطح تحصیلات، وضعیت اشتغال و محل سکونت، متغیرهایی هستند که ارتباط معناداری با احتمال بی‌فرزندگی در میان زنان مورد مطالعه دارند. اگرچه شیوع بی‌فرزندگی طول عمر در جمعیت مورد مطالعه در سطح نسبتاً پایینی قرار دارد، اما برنامه‌ریزی در راستای بهبود وضعیت شغلی و محل سکونت، به خصوص در میان خانوارهای جوان، می‌تواند مانع از افزایش نسبت بی‌فرزندگی طول عمر در آینده شود.

واژگان کلیدی

بی‌فرزندگی طول عمر، باروری، فرزندآوری، بی‌فرزندگی دائمی، بی‌فرزندگی داوطلبانه، بی‌فرزندگی ارادی.

*. این مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان همبسته‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و جمعیتی بی‌فرزندگی دائمی در زنان همسر دار ازدواج کرده ۴۹-۴۰ سال استان خوزستان است.

** . دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. (h.aryanezhad@gmail.com)

*** . استادیار جمعیت‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور (نویسنده‌ی مسئول)، (j.zangeneh@pnu.ac.ir)

**** . استادیار جمعیت‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرمسار، سمنان، ایران. (sharifim@ut.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۱۸

۱- مقدمه و بیان مسئله

فرزندآوری پایین و با تأخیر، از جمله ویژگی‌های جمعیتی کشورهای توسعه‌یافته است که امروزه در دیگر کشورها نیز مشاهده می‌شود. تغییرات اجتماعی در وضعیت اشتغال و تحصیلات زنان، به‌عنوان پیش‌ران‌های باروری پایین، بی‌فرزنداری و بی‌فرزنداری غیرارادی محسوب می‌شوند (محمودیانی، ۱۳۹۹: ۲). کاهش فرزندآوری فقط مسئله‌ای جمعیتی شناختی نیست و ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی چندگانه و پیچیده‌ای دارد که در سال‌های اخیر مباحث و مناقشات قابل توجهی پیرامون آن شکل گرفته است (بالاخانی، ۱۴۰۱: ۴۰). از نظر محققان، زنان بی‌فرزند ارادی در سن فرزندآوری قرار دارند، اما قصد فرزندآوری ندارند. زنانی که ارادی یا داوطلبانه بی‌فرزند هستند، در تقابل با زنانی قرار می‌گیرند که در حال حاضر فرزند ندارند، اما در آینده فرزندآوری را تجربه خواهند کرد و به‌عنوان بی‌فرزند موقت تعریف می‌شوند. بی‌فرزنداری پیش‌بینی‌کننده انزوای اجتماعی و تنهایی در سنین بالا است. بی‌فرزنداری به‌عنوان یک پدیده اجتماعی و راهی برای انطباق با تغییرات اجتماعی، به موضوع مهمی در مطالعات جمعیتی-اجتماعی تبدیل شده است که می‌تواند تأثیرات مهمی بر روی روابط زوجین، وضعیت روانی آنان و زندگی اجتماعی‌شان داشته باشد. اگرچه هویت زن معمولاً با فرزندآوری گره‌خورده است، اما روند بی‌فرزنداری در بین زوجها رو به افزایش است. تقریباً ۳۰ درصد از زنان استرالیایی و ۸ درصد از زنان آمریکایی هنوز در پایان سن باروری خود بدون فرزند هستند. آمارهای غیررسمی حاکی از آن است که ۸/۵ درصد از زنان^۱ متأهل ایرانی، بی‌فرزنداری داوطلبانه را انتخاب کرده‌اند. همچنین ۹ درصد از زوجها بدون فرزند در تهران قصد دارند بدون فرزند بمانند (احمدی و همکاران، ۲۰۱۹: ۴۵۰).

میزان‌های باروری در ایران طی دهه‌های گذشته کاهش قابل توجهی را تجربه کرده است، به‌طوری‌که میزان باروری کل که در اواخر دهه ۱۳۵۰ و اوایل دهه ۱۳۶۰ به ۶/۹ فرزند رسیده بود، در طی دو دهه به کمتر از دو فرزند کاهش پیدا کرد (عباسی شوازی و همکاران، ۲۰۰۹). آخرین آمارها نشان می‌دهد که میزان باروری کل در ایران به ۱/۷ فرزند در سال ۱۳۹۹ رسیده است (مرکز آمار ایران، ۲۰۱۹).

پیش‌بینی‌های موجود خبر از تداوم کاهش باروری کل به پایین‌تر از ۱/۵ فرزند در افق ۱۴۰۴ می‌دهد (آقایاری هیر و همکاران، ۱۳۹۵: ۸). بر این اساس در سال‌های اخیر در ایران، باروری پایین به پدیده‌ای فراگیر در مناطق مختلف کشور تبدیل شده است و تعداد زیادی از استان‌ها و

1- Erfani A. Low Fertility Intention in Tehran, Iran: The Role of Attitudes, Norms and Perceived Behavioural Control. J Biosoc Sci. PubMed PMID: 27086667.

شهرستان‌های کشور، باروری زیر سطح جانشینی را تجربه کرده‌اند (شیری و صادقی، ۱۴۰۲: ۱۸۲) و این حرکت به سمت کاهش بیشتر باروری در دهه‌های بعدی است.

پدیده‌ی بی‌فرزندگی در ابتدا بیشتر در بین گروه‌های سنی بالای ۳۵ سال مورد توجه بود، اما در شرایط کنونی به گروه‌های سنی زیر ۳۰ سال نیز سرایت کرده است. تحقیقات پیشین پیشنهاد می‌کنند که بی‌فرزندگی ارادی را نمی‌توان تنها بر اساس انتخاب عمدی برای نداشتن فرزند درک نمود (Tanturri, 2008; Mencarini, 2009; Sobatka, 2009; Rindfuss et al. 2015)، بلکه باید عوامل مختلف مؤثر بر آن را جست‌وجو کرد.

در ایران نیز تغییر و تحولات گسترده در ساختار خانواده ایرانی و روندهای جمعیتی کشور در سال‌های اخیر توسط بسیاری از محققین گزارش شده است (سرای، ۱۳۸۵؛ حسینی و عباسی شوازی، ۱۳۸۸، عنایت و پرنیان، ۱۳۹۲، اسحاقی و همکاران، ۱۳۹۳) روند باروری در بین استان‌های کشور نیز در خط سیر مشابهی قابل مشاهده است، اگرچه، تفاوت‌هایی نیز در بین استان‌ها وجود دارد (عباسی شوازی و حسینی، ۱۳۸۸).

دگرگونی ساخت جامعه ایران و رواج شهرنشینی از یک‌سو و شتاب در پویایی اجتماعی، جغرافیایی جمعیت از سوی دیگر، تأثیر شگرفی در نهادهای اجتماعی جامعه ایرانی داشته و ویژگی‌های این نهادها را از دیدگاه رفتار و اندیشه تغییر داده است (آشفته تهرانی، ۱۳۷۲). خانواده نیز به ناچار پایه‌پای این تحولات و تغییرات اجتماعی، متحول شده است؛ به طوری که از این منظر پذیرش اشکال جدید همزیستی، خانواده‌های زن‌وشوهری بدون فرزند یا با فرزندان ازدواج‌نکرده، به جای اشکال سنتی خانواده نمود پیدا کرده است. کاهش سطح زادوولد و باروری پایین علاوه بر تأثیر قاطعی که بر میزان رشد جمعیت و از آن طریق تعدیل شتاب افزایش تعداد جمعیت داشته، بر ترکیب و ساختار جمعیت نیز تأثیر منفی داشته است. کاهش مستمر زادوولد و انتقال از باروری طبیعی به باروری کنترل‌شده، به تدریج ساختار سنی جمعیت را از وضعیت جوانی جمعیت، خارج و به طرف سالخوردگی سوق می‌دهد. روند کاهش باروری در ایران این نگرانی را ایجاد کرده است که سطح باروری فعلی در کشور حتی به سطوح پایین‌تر از جانشینی هم برسد. با توجه به نرخ باروری زیر سطح جانشینی در ایران، پدیده تک‌فرزندگی و بی‌فرزندگی در آینده را شاید بتوان از نگرانی‌های حال حاضر در حوزه جمعیت دانست. روند کاهش باروری در بسیاری از استان‌های کشور در شکل‌دهی این نگرانی‌ها بی‌تأثیر نبوده است.

ابلاغ سیاست‌های کلی جمعیت به همراه تأکید بر افزایش باروری به بالای سطح جانشینی از سال ۱۳۹۳ بیانگر اهمیت بررسی موضوع بی‌فرزندگی و مسئله مند بودن آن از نگاه

سیاست‌گذاران است. پدیده‌ی بی‌فرزندگی ارادی محصول تعامل عوامل زیستی، محیطی و فرهنگی است و توجه به این عوامل برای برنامه‌ریزی‌های افزایش نرخ باروری کل اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. بی‌فرزندگی در سال‌های پایانی سنین فرزندآوری، شاخص بی‌فرزندگی طول عمر است. این شاخص بیانگر درصد زنانی است که تا سال‌های آخر دوره تولیدمثل شان، نتوانسته یا نخواسته‌اند که فرزندگی به دنیا آورند، بی‌فرزندگی دائمی یا بی‌فرزندگی طول عمر نامیده شده است. انتخاب استان خوزستان برای مطالعه و کندوکاو استراتژی بی‌فرزندگی از آن جهت حائز اهمیت است که فرزندآوری در این استان همیشه از اهمیت بالایی برخوردار بوده است. به‌طوری‌که تولید نسل از اساسی‌ترین اهداف ازدواج در قبایل عرب خوزستان است؛ به همین دلیل خانواده‌ها تلاش می‌کنند تا فرزندانشان در سنین پایین ازدواج کنند و برای فرزندآوری آنان لحظه‌شماری می‌کنند، لیکن در طول دهه‌های گذشته، استان خوزستان علیرغم آنکه یکی از استان‌های با میزان باروری بالا بود، نرخ فرزندآوری زیر سطح جایگزینی را تجربه می‌کند، به‌طوری‌که تعداد مولید در استان خوزستان از ۱۱۳۹۵۳ تولد در سال ۱۳۹۵ با یک کاهش تقریباً ۲۳۰۰۰ تایی به ۹۱۲۰۴ تولد در سال ۱۴۰۰ رسید. ثبت مولید استان خوزستان از سال ۱۳۹۷ روند کاهشی داشته است و بیشترین درصد کاهش را در فاصله سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۸ با حدود ۱۲ درصد کاهش تجربه است. البته در سال ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ این روند اندکی افزایش داشته است. آمارهای ثبت مولید در استان خوزستان نشان‌دهنده افزایش سن مادران در ولادت‌های به ثبت رسیده است. این افزایش سن مادران به دلایل مختلفی از جمله بالا رفتن سن مادر در اولین بارداری، تمایل خانواده‌ها به تک‌فرزندگی و بی‌فرزندگی یا فاصله‌گذاری زیاد بین بارداری‌ها می‌باشد (سالنامه‌های سازمان ثبت‌احوال خوزستان، ۱۴۰۰-۱۳۹۰). در جامعه‌ای که فرزندآوری ارزش ویژه‌ای دارد و بی‌فرزندگی به‌عنوان گسست نسلی تلقی می‌شود، می‌توان این سؤال را مطرح نمود که عوامل همبسته با شیوع بی‌فرزندگی زنان متأهل ۴۰ تا ۴۰ ساله در استان خوزستان کدامند؟

۲- پیشینه‌ی پژوهش

احمدی و همکاران (۲۰۱۹) در مطالعه خود به بررسی پدیده بی‌فرزندگی در بین زنان ایرانی در تهران پرداختند. بر اساس نتایج این مطالعه، شرایط علی بی‌فرزندگی شامل جامعه پرخطر و تجارب نامطلوب بود. شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر شامل مشکلات اجتماعی، حمایت اجتماعی، جامعه در حال گذار، منابع طبیعی، حضور اجتماعی زنان و سن ازدواج بود. استراتژی‌ها و تعاملات مشاهده‌شده در زوج‌های بدون فرزند شامل سرکوب احساسات، تعارضات، عقلانیت و بدگویی بود.

مقوله هسته، فردگرایی بود. فردگرایی مهم‌ترین ویژگی مدرنیته است و مستلزم افزایش مستمر خواسته‌ها و ترجیحات فردی است. فردگرایی یعنی هم مردان و هم زنان خود را از نقش‌های جنسیتی تحمیل‌شده توسط جامعه رها می‌کنند. در واقع مدل‌های سنتی و جمع‌گرایانه در بین فردگرایان جایی ندارد.

بگی (۱۴۰۰) در مطالعه خود تحت عنوان تمایل به بی‌فرزندگی و تک‌فرزندگی در میان زوجین تازه ازدواج کرده در ایران با استفاده از داده‌های پیمایش ملی ازدواج (۱۳۹۷-۱۳۹۶) و بررسی ۸۹۷۷ نفر از زوجین تازه ازدواج کرده نشان داد که ۱/۲ درصد افراد، قصد بی‌فرزندگی و ۹/۱۶ درصد تمایل به تک‌فرزندگی دارند. مهم‌ترین دلایل قصد بی‌فرزندگی را هزینه‌های اقتصادی فرزندان و عدم علاقه به فرزند عنوان شدند. نتایج این مطالعه همچنین نشان داد که بین قومیت، تحصیلات، اشتغال و میزان شرکت در مراسم مذهبی با تمایل به کم‌فرزندگی رابطه وجود دارد به طوری که احتمال خواستن دو فرزند و بیشتر در میان افراد مذهبی‌تر بیشتر است.

محمودیانی (۱۳۹۹)، در پژوهشی موضوع بی‌فرزندگی طول عمر و عوامل همبسته با آن را در استان‌هایی با باروری پایین مورد بررسی قرار داد. نتایج این مطالعه نشان داد که ۴/۴ درصد از زنان ساکن در استان‌های گیلان، تهران و مازندران در حالت بی‌فرزندگی طول عمر هستند. نتایج این مطالعه همچنین نشان داد که سطح تحصیلی زنان، نحوه تصرف محل سکونت خانوار و مساحت زیربنای واحد مسکونی، رابطه معناداری بر احتمال بی‌فرزندگی دارند. کم‌ترین نسبت بی‌فرزندگی برحسب نحوه تصرف محل سکونت خانوار به زنانی تعلق دارد که ساکن واحدهای مسکونی شخصی بوده‌اند. همچنین نتایج نشان می‌دهد که با افزایش مساحت زیربنای واحد مسکونی در تصرف خانوار نسبت بی‌فرزندگی زنان آن خانوارها کاهش یافته است.

گراهام^۱ و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان «چرا زنان بی‌فرزند، بی‌فرزندگی را انتخاب می‌کنند؟» در یک مطالعه اکتشافی در استرالیا عنوان می‌کنند که بی‌فرزندگی در استرالیا در حال افزایش است، اما تحقیقات اندکی وجود دارد که دلایل زنان برای بی‌فرزندگی را بررسی کرده باشد. یافته‌ها نشان داد که تقریباً نیمی از زنان تمایلی به داشتن فرزند ندارند. دلایل زنان برای بی‌فرزندگی در این مطالعه شامل: عدم تمایل همیشگی برای داشتن فرزند، نداشتن رابطه مناسب یا داشتن رابطه‌ای بی‌ثبات با همسر عنوان شده است.

میرانتی^۱ و همکاران (۲۰۰۹) در مقاله خود با عنوان «روندهای بی‌فرزندگی در میان زنان شاغل در استرالیا در دوره زمانی ۱۹۸۶-۲۰۰۶» به این موضوع می‌پردازد که آیا شکافی در میزان باروری زنان با تحصیلات بالاتر و دارای مشاغل حرفه‌ای با زنان محدود در این زمینه‌ها وجود دارد؟ یا این که کاهش باروری به‌طور گسترده‌تری در استرالیا رواج یافته است. در این مطالعه زنان شاغل (با توجه به دسته‌بندی شغلی) و همگی زنان (با توجه به میزان تحصیلات) در سنین ۲۰-۴۴ سال مورد بررسی قرار گرفتند. تمرکز ویژه این مطالعه بر گروه زنان شاغل در مشاغل دارای با منزلت بالا (نظیر پزشکان، وکلا، دندان‌پزشکان و دامپزشکان) و نیز زنان دارای مدارک عالی در دیگر مشاغل حرفه‌ای و مدیریتی بود. نتایج نشان داد که بین سال‌های ۱۹۸۶ تا ۲۰۰۶ بی‌فرزندگی با شتاب اندکی برای زنان تحصیل کرده‌تر نسبت به زنان دیگر افزایش یافته است؛ البته زنان تحصیل کرده‌تر به‌طور مداوم بیشترین مقدار بی‌فرزندگی را دارند. اگرچه زنان شاغل در مشاغل با منزلت بالا میزان بی‌فرزندگی بالاتری نسبت به زنان شاغل دارند، میزان بی‌فرزندگی در زنان شاغل همسان است؛ اما در مقایسه با همگی زنان مورد بررسی با شتاب کمی در حال افزایش است.

دویل^۲ و همکاران (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان «مطالعه پدیدار شناختی انتخاب بی‌فرزندگی بین زنان استرالیایی» معتقدند که تصمیم به نداشتن فرزند یک انحراف از هنجارهای فرهنگی در نظر گرفته می‌شود، به‌خصوص کسانی که در گفتمان غالب پروتستانیسم و مسیر مشخص تکامل اجتماعی از دوشیزگی به مادری قرار دارند. با این حال، تحقیقات اندکی درباره تجربه زنانی که آگاهانه بی‌فرزندگی را انتخاب می‌کنند، وجود دارد. مطالعه کیفی شامل ۱۰ زن بی‌فرزند ارادی در مصاحبه ساخت نیافته است تا از طریق شرح حال منحصر به فرد هر زن، مؤلفه‌ها استخراج شود. تجزیه و تحلیل داده‌ها سه موضوع کلی را آشکار می‌کند: اول، تجارب و فرآیندهای انتخاب کردن؛ دوم، اثرات مداوم انتخابشان اعم از حمایت و پذیرش تا فشار و تمایز قائل شدن و در نهایت، عدم وجود هیچ‌گونه تأسفی برای زنانی که به‌طور معناداری درگیر فعالیت‌های مولد در جامعه هستند. کاپور و کوروپچیک-کاکس^۳ (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان «ادراک دانشجویان از زوجین بی‌فرزند و بدون نقش والدینی در آنکارا- ترکیه» با استفاده از یک پیمایش و تصاویر فرضی درباره زوج‌های بی‌فرزند و بدون نقش والدینی، برداشت دانشجویان از بی‌فرزندگی را مورد بررسی قرار دادند تا از این طریق میزان اطلاع درباره برداشت از بی‌فرزندگی را در کشورهای در حال توسعه که در معرض

1- Miranti

2- Doyle

3- Çopur, Z & Koropecykj-Cox

تغییرات اجتماعی و جهانی شدن هستند، افزایش دهند. یافته‌ها نشان داد مردان و زنان بی‌فرزند بیشتر مورد نکوهش قرار می‌گیرند و نیز دارای مشکلات عاطفی معرفی شده‌اند. نتایج بر اهمیت والد شدگی بین دانشجویان ترکیه‌ای و نیز شناسایی تنش‌های زنان در هماهنگی میان کار و نقش مادری تأکید دارند. تفاوت‌های نسبی بین شهری و روستایی بودن نیز وجود داشت، هر چند تفاوت‌های جنسیتی و درآمد نیز ممکن است آگاهی بیشتری از نگرانی‌های کاری - خانوادگی و پذیرش بی‌فرزندگی در میان زنان و دانشجویان با درآمد بالاتر را منعکس کند.

در مجموع می‌توان بیان داشت که تاکنون بیشتر تحقیقاتی که در حوزه باروری انجام گردیده، در مورد کاهش باروری بوده‌اند و کمتر به پدیده بی‌فرزندگی طول عمر پرداخته‌اند. از این رو به نظر می‌رسد «بی‌فرزندگی» به‌عنوان یک پدیده اجتماعی و راهی برای سازگاری با تغییرات اجتماعی به موضوع مهمی در مطالعات اجتماعی - جمعیتی تبدیل شده و توجه متخصصان این حوزه را به خود جلب کرده است؛ بنابراین در مرحله اول، توجه به پدیده بی‌فرزندگی، تعیین‌کننده‌ها و شیوع آن در جوامع مختلف و در مراحل بعدی بررسی پیامدهای این پدیده جهت اخذ تصمیمات مناسب در این حوزه می‌تواند مفید واقع شود.

۳- مبانی نظری پژوهش

جهت تبیین تغییرات باروری، نظریات مختلفی ارائه شده است. بر مبنای نظریه‌ی انتقال جمعیتی که رویکرد کلان در اقتصاد باروری است، جوامع در مسیر حرکت به توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی و نوگرایی، انتقال جمعیتی را تجربه می‌کنند. هرچه توسعه‌یافتگی در جامعه‌ای بالا باشد، انتظار می‌رود میزان باروری در آن جامعه پایین‌تر باشد، زیرا موقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی افراد نیز در چنین جامعه‌ای تغییر خواهد کرد (عباسی شوازی، ۱۳۸۳: ۴۸). از نظر دیویس^۱ زمانی که خانواده‌های بزرگ در معرض مشکلات و تنگناهای اقتصادی قرار می‌گیرند و نمی‌توانند از مزایای فرصت‌های فراهم‌شده از طریق توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی بهره‌مند گردند، تلاش می‌کنند با پاسخ‌های مختلف، خودشان را با تغییرات به وجود آمده سامان دهند. افراد از طریق تأخیر در ازدواج یا افزایش تجرد از طریق کنترل باروری نکاحی و استفاده از وسایل پیشگیری از حاملگی یا سقط جنین عمدی، یا انتخاب بی‌فرزندگی، به این تغییرات پاسخ می‌دهند (حسینی، ۱۳۹۰: ۱۵۴). نتایج مطالعات انجام‌شده درباره‌ی باروری در اروپا و همچنین مشاهده‌ی انتقال باروری در کشورهای در حال توسعه، حاکی از آن است که کاهش باروری محصول انتشار ایده‌های جدید و شناخت

تنظیم باروری است (عباسی، ۱۳۸۳: ۶۷). مطابق نظریه‌ی نوسازی، بسیاری از ارزش‌ها و هنجارهای خانواده‌ها نسبت به شکل‌گیری خانواده و فرزندآوری تغییر پیدا کرده است. به عبارتی شهرنشینی و صنعتی شدن باعث ایجاد سبکی از زندگی می‌شود که گرایش به فرزندآوری و پرورش فرزندان را هزینه آور می‌کند و به تدریج ارزش‌های مربوط به داشتن فرزند زیاد را از بین می‌برد. در واقع کاهش باروری یکی از نتایج مستقیم مدرنیزاسیون و صنعتی شدن است.

نظریه‌ی نوسازی بر این پیش‌فرض مبتنی است که تغییرات عمیقی در نقش‌های جنسیتی به موازات فرایند نوسازی رخ می‌دهد. با وجود اینکه جوامع سنتی، فرزندآوری و پرورش فرزندان را همچون آشپزی کار اصلی زنان در زندگی می‌دانند، ولی در جوامع صنعتی نقش‌های جنسیتی به خاطر انقلاب ساختاری در نیروی کار دستمزدی، فرصت‌های تحصیلی برای زنان و ویژگی‌های خانواده‌ی مدرن، روز به روز به هم نزدیک‌تر می‌شوند. در بیشتر کشورهای توسعه‌یافته، زنان در سن بالا ازدواج می‌کنند و فرزندان کمتری نسبت به نسل‌های قبل به دنیا می‌آورند (2003: 69-70, Noris & Ingelhart).

بر اساس نظر بیلی رام^۱ تشویق مشارکت زنان در نیروی کار، زنان را وادار کرده است تا سطح باروری خود را پایین نگه‌دارند، این امر باعث ایجاد نوعی مکانیسم خود مدیریتی شده است. در این فرآیند زمانی که والدین در اوج درگیری‌های شغلی خود هستند، زادوولد معمولاً به تعویق می‌افتد (Ram, 2003: 297-326). امروزه، در بسیاری از کشورها، زنان همچون مردان به آموزش و تحصیل دسترسی دارند. با وجود این، ممکن است آن‌ها برای بهره‌مندی بیشتر از این فرصت‌ها زمان باروری‌شان را یا به تأخیر بیاورند یا اینکه به تک‌فرزندی اکتفا کنند؛ زیرا زنان به‌واسطه‌ی تحصیلات و کسب شغل، عرصه‌ی اجتماعی را بیشتر تجربه می‌کنند و به تبع آن به دنبال تحقق انتظارات و آمال و آرزوهای فردی خود هستند.

وقتی توسعه فردی تحقق پیدا کرد، یعنی معیارهای زیستی و موقعیت‌های اجتماعی-اقتصادی افراد ارتقا یافت، زادوولد و باروری کاهش می‌یابد (میرزایی، ۱۳۸۴: ۵۰).

از نظر بارو و بیکر^۲، فرزندان به‌عنوان کالاهای مصرفی بادوام در نظر گرفته می‌شوند. این رویکرد تأکید بر درآمد و هزینه‌ی فرزندان همانند هزینه‌ی رشد و تربیت، فرصت‌های ازدست‌رفته برای زنان (اشتغال) و سطح درآمد خانواده دارد (Barro & Becker, 1986: 69-79) آن‌ها بین هزینه و

1- Ram

2- Barro & Becker

شرایط نگهداری از کودکان تمایز ویژه قائل می‌شوند و ادعا می‌کنند شرایط نگهداری از کودکان موضوعی است که والدین آن را انتخاب می‌کنند و به کیفیت زندگی فرزندان مرتبط است؛ لذا در جوامع امروزی از والدین انتظار می‌رود تا رفاه اقتصادی فرزندان را فراهم کنند؛ بنابراین، تعداد کمتر فرزند، فشار اقتصادی کمتری را برای والدین به همراه داشته و از طرفی کیفیت زندگی فرزندان را بالا می‌برد.

در نظریه انتقال جمعیت شناختی دوم که عمدتاً مبتنی بر تحقیقات و نظریات جمعیت شناسانی همچون وندکاکا^۱ (۱۹۸۷) و لستهاق^۲ (۲۰۰۷) می‌باشد به تحولات خانواده معاصر از جمله تغییر در الگوهای فرزندآوری اشاره شده است. مطابق این تئوری نوین، گذار جمعیتی، شکل‌های نوظهور در خانواده معاصر را پدید آورده که به‌طور چشم‌گیری در حال گسترش در سطح جوامع انسانی است. به‌عنوان مثال، می‌توان به افزایش سن ازدواج، سیر صعودی نرخ مجرد و مجرد قطعی، افزایش میزان طلاق، روند فزاینده زندگی مشترک بدون ازدواج به‌عنوان برخی از مهم‌ترین شکل‌های نوظهور خانواده اشاره کرد که دارای تأثیرات و پیامدهای تعیین‌کننده‌ای بر روی میزان فرزندآوری نیز می‌باشند. در واقع، پدیده‌های نوظهوری همچون میزان‌های فزاینده تک‌فرزندی، بی‌فرزندی، خانواده تک‌والدی نیز به‌عنوان برخی دیگر از اشکال نوظهور خانواده معاصر، کانون توجه و بررسی تئوری نوین گذار جمعیتی می‌باشند (فروتن ۱۳۹۵ و ۱۳۹۲: ۱۱۴). مطابق نظریه گذار جمعیتی دوم، به‌موازات تغییر در سطح جامعه و خانواده، تغییرات اساسی در میزان و نرخ فرزندآوری هم در جریان این گذار رخ داده است. زنان در جوامع با باروری پایین دیرتر از هر زمانی بچه می‌آورند و بیشتر از هر زمانی بی‌فرزند می‌مانند. در واقع نسبت قابل‌ملاحظه‌ای از زنان در این جوامع بر اساس انتخاب سبک زندگی‌شان، اشتغال حرفه‌ای را بر فرزند پروری ترجیح می‌دهد. به سخن دیگر عوامل اقتصادی اجتماعی به‌وضوح نقش بیشتری در بی‌فرزندی زنان در جوامع با باروری پایین دارند. از سویی دیگر در روش‌های کنترل موالید و سقط‌جنین بی‌خطر، به زنان اجازه می‌دهد که فقط زمانی آبستن شوند که می‌خواهند؛ و فقط در صورتی دوره آبستنی را به‌طور کامل طی کنند که تولد بچه برایشان مطلوب باشد (سرایبی، ۱۳۸۷: ۵۴۴). در مجموع می‌توان ادعا نمود که تغییر در هر یک از شاخص‌های موقعیت اقتصادی اجتماعی زنان، منجر به تغییر در نگرش نسبت به رفتار باوری و فرزندآوری خواهد شد. جهت تبیین باروری باید ترکیبی از مجموعه

1- Van de Kaa

2- Lesthaeghe

علوم اجتماعی، اقتصاد، جمعیت‌شناسی و جامعه‌شناسی را به‌طور منظم و توأم استفاده نمود. فرزند آوری تصمیمی است که اگر به‌صورت یک طیف در نظر گرفته شود در یک سر این طیف، تمایلات، چانه‌زنی، ترجیحات و نگرش‌های فردی افراد قرار می‌گیرند و در سر دیگر طیف شرایط اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی جامعه و همچنین سیاست‌گذاری‌های کلان دولتی قرار می‌گیرند. به عبارتی افراد و خانوارها با توجه به شرایط و سناریوهای متفاوت منتج از سیاست‌گذاری‌های کلان دولتی که پیش‌روی خود می‌بینند، رفتار فرزند آوری خود را تنظیم می‌کنند، از طرف دیگر دولت‌ها و سیاست‌گذاران با توجه به رفتارهای سطح خرد ممکن است انواع متفاوت سیاست‌ها را به‌منظور افزایش یا کاهش باروری در دستور کار خود قرار دهند؛ بنابراین به نظر می‌رسد تنها با تکیه بر یک تئوری خاص نتوان رفتاری باروری و فرزندآوری را تبیین نمود.

۴- روش پژوهش

تحقیق حاضر تحقیقی کمی مبتنی بر تحلیل ثانویه می‌باشد. برای این منظور از داده‌های خام ۲ درصد سرشماری ۱۳۹۵ که در دو فایل جداگانه فردی و خانواری بر درگاه ملی آمار به‌طور آزاد در اختیار محققان قرار می‌گیرد و بر اساس کد خانواری قابل اتصال به یکدیگر می‌باشد، استفاده شده است. پس از اتصال فایل فردی و خانواری، داده‌های مذکور برای استان خوزستان گزینش شد. در گام بعدی با گزینش زنان دارای همسر در سنین ۱۵ تا ۴۹ ساله، داده‌های آن‌ها برای تحلیل آماده گردید. لازم به ذکر است که داده‌های گم‌شده از تحلیل کنار گذاشته شدند. متغیرهای مستقل فردی شامل سن، محل سکونت، وضعیت مهاجرتی، وضعیت تحصیلی، وضعیت اشتغال و وضعیت فعلی تحصیل است. مشخصه‌های سکونتی خانوار زنان به‌عنوان متغیر مستقل است. متغیر نوع سکونت خانوار، شامل نحوه تصرف محل سکونت خانوار، تعداد خانوار ساکن در مکان و درنهایت مساحت زیربنای واحد مسکونی خانوار است. برای بررسی بی‌فرزندگی دو گروه سنی آخر یعنی ۴۰ تا ۴۴ یا ۴۵ تا ۴۹ سال مورد تأکید است که در مطالعه حاضر هر دو گروه مذکور در داده‌های سرشماری آماری ۱۳۹۵ مرتبط با شهرستان‌های اهواز، آبادان، دزفول، بهبهان و شوشتر در استان خوزستان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

۵- یافته‌های پژوهش

تعداد ۴۷۸۹ زن دارای همسر ۴۹-۴۰ ساله در استان خوزستان مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. یافته‌های جدول (۱) نشان می‌دهد که ۵/۳ درصد از زنان ۴۹-۴۰ ساله مورد بررسی در زمان سرشماری هیچ فرزندی نداشته‌اند، یعنی می‌توان آن‌ها را بی‌فرزندگی طول عمر یا بی‌فرزندگی

دائم به شمار آورد. لارسن^۱ (۱۹۹۶) بیان می‌کند که در هر جمعیتی حدود ۳ درصد زوجین، بی‌فرزند باقی می‌مانند؛ ولی با توجه به ماهیت جوامع مختلف این ارقام می‌تواند متفاوت باشد. حدود ۵۴/۷ درصد از زنان مورد بررسی ۴۰ تا ۴۴ سال داشته‌اند و حدود ۴۵/۳ درصد نیز ۴۵ تا ۴۹ ساله بوده‌اند. ۷۸ درصد زنان مورد بررسی شهرنشین و حدود ۲۲ درصد نیز ساکن روستا بوده‌اند. ۲/۱ درصد زنان مورد مطالعه در استان خوزستان مهاجر و سایر هم‌تایان آن‌ها بومی بوده‌اند. حدود ۲۳/۸ درصد زنان بی‌سواد، ۲۹/۶ درصد تحصیلات ابتدایی، حدود ۱۵/۵ درصد تحصیلات راهنمایی و متوسطه و در نهایت ۲۰/۴ درصد از زنان مورد بررسی تحصیلات دانشگاهی داشته‌اند. حدود ۱/۴ درصد نمونه در زمان سرشماری در حال تحصیل یا محصل بوده‌اند. حدود ۱۶/۲ درصد از زنان مورد نظر شاغل و سایر هم‌تایان آن‌ها غیر شاغل بوده‌اند. بخش دیگری از متغیرهای مورد نظر در تحقیق حاضر با مشخصه‌های سکونت خانوار مرتبط است. حدود ۱۹/۹ درصد زنان مورد مطالعه ساکن واحدی مسکونی از نوع آپارتمان و سایر آن‌ها در دیگر انواع واحدهای مسکونی، سکونت داشته‌اند. حدود ۶۶ درصد نمونه به خانوارهایی تعلق داشته‌اند که در واحد مسکونی شخصی خود ساکن بوده و مابقی آن‌ها نیز در منازل رهنی/استیجاری ساکن بوده‌اند. حدود ۹۰/۵ درصد زنان در منازل ساکن بوده‌اند که صرفاً خانوار آن‌ها در آنجا سکونت داشته‌اند و ۹/۶ درصد نمونه ساکن واحدهایی مسکونی با بیش از ۱ خانوار بوده‌اند. مساحت زیربنای واحد مسکونی نیز دیگر متغیر مستقل مرتبط با مشخصه‌های سکونت خانوار زنان مورد مطالعه است که اطلاعات آن در جدول ۱ گزارش شده است. حدود ۶/۷ درصد زنان در واحدهای مسکونی با متراژ کمتر از ۶۴ مترمربع سکونت داشته‌اند و در مقابل حدود ۳۷/۲ درصد آن‌ها ساکن واحدهایی مسکونی با مساحت بیش از ۱۲۰ مترمربع بوده‌اند. زنان ۴۹-۴۰ ساله شهرستان دزفول با ۳/۸ درصد دارای کمترین میزان بی‌فرزندگی طول عمر و شهرستان‌های آبادان و شوشتر با ۶/۳ درصد دارای بیشترین بی‌فرزندگی طول عمر بودند، درصد بی‌فرزندگی طول عمر در بین زنان مورد بررسی شهرستان‌های بهبهان و اهواز نیز به ترتیب برابر با ۵ و ۵/۴ درصد بوده است. سایر ویژگی‌های فردی و سکونتی زنان مورد مطالعه در مناطق مورد بررسی در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول (۱): توزیع زنان مورد مطالعه بر حسب مشخصه‌های فردی و سکونتی آنها

کل		اهواز	شوشتر	بهبهان	دزفول	آبادان	متغیرها	
درصد	تعداد	تعداد، درصد	تعداد، درصد	تعداد، درصد	تعداد، درصد	تعداد، درصد		
۵/۳	۲۵۴	۱۶۴ (۵/۴)	۱۴ (۶/۳)	۱۱ (۵/۰)	۲۷ (۳/۸)	۳۸ (۶/۳)	بی‌فرزند	وضعیت بی‌فرزندی
۹۴/۶	۴۵۳۵	۲۸۶۷ (۹۴/۵)	۲۰۷ (۹۳/۲)	۲۱۰ (۹۴/۶)	۶۸۳ (۹۶/۲)	۵۶۸ (۹۳/۷)	دارای فرزند	
۰/۱	۴	۲ (۰/۱)	۱ (۰/۵)	۱ (۰/۵)	۰ (۰/۰)	۰ (۰/۰)	بی‌پاسخ	
۵۴/۷	۲۶۲۲	۱۶۷۱ (۵۵/۱)	۱۲۰ (۵۴/۱)	۱۲۰ (۵۴/۱)	۳۸۰ (۵۳/۵)	۳۳۱ (۵۴/۶)	۴۴-۴۰	سن
۴۵/۳	۲۱۷۱	۱۳۶۲ (۴۴/۹)	۱۰۲ (۴۵/۹)	۱۰۲ (۴۵/۹)	۳۳۰ (۴۶/۵)	۲۷۵ (۴۵/۴)	۴۹-۴۵	
۷۸/۰	۳۳۳۷	۲۴۵۷ (۸۱/۰)	۱۵۱ (۶/۸/۰)	۱۷۳ (۷۷/۹)	۵۰۶ (۷۱/۳)	۴۵۰ (۷۴/۳)	شهر	محل سکونت
۲۲/۰	۱۰۵۶	۵۷۶ (۱۹/۰)	۷۱ (۳۲/۰)	۴۹ (۲۲/۱)	۲۰۴ (۲۸/۷)	۱۵۶ (۲۵/۷)	روستا	
۲/۱	۱۰۳	۵۹ (۱/۹)	۵ (۲/۳)	۹ (۴/۱)	۲۲ (۳/۱)	۸ (۱/۳)	مهاجر	وضعیت مهاجرتی
۹۷/۹	۴۶۹۰	۲۹۷۴ (۹۸/۱)	۲۱۷ (۹۷/۷)	۲۱۳ (۹۵/۹)	۶۸۸ (۹۶/۹)	۵۹۸ (۹۸/۷)	غیر مهاجر	
۲۳/۸	۱۱۴۲	۷۴۱ (۲۴/۴)	۶۸ (۳۰/۶)	۲۱ (۹/۵)	۱۶۲ (۲۲/۸)	۱۵۰ (۲۴/۸)	بی‌سواد	وضعیت تحصیلی
۲۹/۶	۱۴۱۷	۸۷۹ (۲۹/۰)	۷۲ (۳۲/۴)	۷۶ (۳۴/۲)	۲۰۸ (۲۹/۳)	۱۸۲ (۳۰/۰)	ابتدایی	
۱۵/۵	۷۴۱	۴۲۶ (۱۴/۰)	۳۳ (۱۴/۹)	۵۰ (۲۲/۵)	۱۲۶ (۱۷/۷)	۱۰۶ (۱۷/۵)	سیکل/ متوسطه	
۲۰/۴	۹۷۸	۶۵۱ (۲۱/۵)	۲۸ (۱۲/۶)	۴۹ (۲۲/۱)	۱۳۱ (۱۸/۵)	۱۱۹ (۱۹/۶)	دیپلم/ پیش‌دانشگاهی/ حوزه‌مقدماتی	

کل		اهواز	شوشتر	بیهان	دزفول	آبادان	متغیرها	
درصد	تعداد	تعداد، درصد	تعداد، درصد	تعداد، درصد	تعداد، درصد	تعداد، درصد		
۱۰/۵	۵۰۴	۳۲۹ (۱۰/۸)	۲۱ (۹/۵)	۲۵ (۱۱/۳)	۸۱ (۱۱/۴)	۴۸ (۷/۹)	دانشگاهی	وضعیت تحصیلی
۰/۲	۱۱	۷ (۰/۲)	۰ (۰/۰)	۱ (۰/۵)	۲ (۰/۳)	۱ (۰/۲)	بی‌پاسخ	
۱۶/۲	۷۷۵	۵۰۶ (۱۶/۷)	۲۹ (۱۳/۱)	۳۴ (۱۵/۳)	۱۱۵ (۱۶/۲)	۹۱ (۱۵/۰)	شاغل	وضعیت شغلی
۸۳/۸	۴۰۱۸	۲۵۲۷ (۸۳/۳)	۱۹۳ (۸۶/۹)	۱۸۸ (۸۴/۷)	۵۹۵ (۸۳/۸)	۵۱۵ (۸۵/۰)	غیر شاغل	
۱۹/۹	۹۵۵	۸۰۰ (۲۶/۴)	۲۴ (۱۰/۸)	۱۴ (۶/۳)	۷۱ (۱۰/۰)	۴۶ (۷/۶)	آپارتمان	نوع محل سکونت خانوار
۷۷/۴	۳۷۰۸	۲۱۵۱ (۷۰/۹)	۱۹۶ (۸۸/۳)	۲۰۷ (۹۳/۲)	۶۱۵ (۸۶/۶)	۵۳۹ (۸۸/۹)	غیر آپارتمان	
۲/۷	۱۳۰	۸۲ (۲/۷)	۲ (۰/۹)	۱ (۰/۱)	۲۴ (۳/۴)	۲۱ (۳/۵)	بی‌پاسخ	
۶۶/۰	۳۱۶۵	۱۹۶۰ (۶۴/۶)	۱۶۴ (۷۳/۹)	۱۶۶ (۷۴/۸)	۴۸۹ (۶۸/۹)	۳۸۶ (۶۳/۷)	شخصی	نحوه تصرف محل سکونت خانوار
۲۲/۳	۱۰۷۱	۷۲۲ (۲۳/۸)	۴۶ (۲۰/۷)	۳۳ (۱۴/۹)	۱۴۰ (۱۹/۷)	۱۳۰ (۲۱/۵)	رهن	
۸/۷	۴۱۷	۲۶۶ (۸/۸)	۱۰ (۴/۵)	۲۱ (۹/۵)	۵۴ (۷/۶)	۶۶ (۱۰/۹)	سایر	
۲/۹	۱۴۰	۸۵ (۲/۸)	۲ (۰/۹)	۲ (۰/۹)	۲۷ (۳/۸)	۲۴ (۴/۰)	بی‌پاسخ	
۹۰/۵	۴۳۴۰	۲۷۶۸ (۹۱/۳)	۱۹۵ (۸۷/۸)	۲۰۹ (۹۴/۱)	۶۲۷ (۸۸/۳)	۵۴۱ (۸۹/۳)	یک خانوار	تعداد خانوار ساکن در مکان
۹/۵	۴۵۳	۲۶۵ (۸/۷)	۲۷ (۱۲/۲)	۱۳ (۵/۹)	۸۳ (۱۱/۷)	۶۵ (۱۰/۷)	دو خانوار و بیشتر	

کل		اهواز	شوشتر	بهبهان	دزفول	آبادان	متغیرها	
درصد	تعداد	تعداد، درصد	تعداد، درصد	تعداد، درصد	تعداد، درصد	تعداد، درصد		
۶/۷	۳۲۰	۱۸۶ (۶/۱)	۳۱ (۱۴/۰)	۱۳ (۵/۹)	۶۳ (۸/۹)	۲۷ (۴/۵)	۶۴ و کمتر	مساحت زیربنای واحد مسکونی
۲۰/۵	۹۸۴	۶۹۲ (۲۲/۸)	۳۲ (۱۴/۴)	۳۶ (۱۶/۲)	۱۱۹ (۱۶/۸)	۱۰۵ (۱۷/۳)	۹۰ تا ۶۵	
۳۲/۳	۱۵۵۰	۹۶۴ (۳۱/۸)	۹۱ (۴۱/۰)	۷۹ (۳۵/۶)	۲۱۱ (۲۹/۷)	۲۰۵ (۳۳/۸)	۱۲۰ تا ۹۱	
۳۷/۲	۱۷۸۲	۱۰۹۲ (۳۶/۰)	۶۶ (۲۹/۷)	۹۰ (۴۰/۵)	۲۸۹ (۴۰/۷)	۲۴۵ (۴۰/۰)	بالاتر از ۱۲۰	
۳/۳	۱۵۷	۹۹ (۳/۳)	۲ (۰/۹)	۴ (۱/۸)	۲۸ (۳/۹)	۲۴ (۴/۰)	بی‌پاسخ	

جدول (۲) بیانگر رابطه وضعیت بی‌فرزندگی با مشخصه‌های فردی و سکونتی زنان مورد مطالعه است. یافته‌ها نشان داد که رابطه معناداری بین متغیرهای سن، وضعیت تحصیلی، وضعیت مهاجرتی، محل سکونت، نوع محل سکونت خانوار، تصرف نحوه سکونت، تعداد خانوار ساکن در محل و وضعیت بی‌فرزندگی وجود ندارد؛ اما دو متغیر وضعیت اشتغال و مساحت زیربنای واحد مسکونی با p -value کمتر از ۰/۰۵ رابطه معناداری با بی‌فرزندگی دارند. به عبارتی با افزایش میزان اشتغال در زنان مورد بررسی درصد بی‌فرزندگی نیز افزایش پیدا کرده است. در شرایطی که تحصیلات دانشگاهی و ورود زنان به بازار کار در مقایسه با گذشته افزایش یافته است، داشتن فرزند می‌تواند آن‌ها را با هزینه‌های فرصت بیشتری روبرو سازد. در واقع نسبت قابل ملاحظه‌ای از زنان در جامعه مورد بررسی، در انتخاب سبک زندگی خود، اشتغال، به‌ویژه اشتغال حرفه‌ای را بر فرزندآوری ترجیح می‌دهند. به سخن دیگر عوامل اقتصادی اجتماعی به‌وضوح نقش بیشتری در بی‌فرزندگی زنان در جوامع با باروری پایین ایفا می‌کنند. همچنین بر اساس نتایج حاصله با افزایش مساحت زیربنای واحد مسکونی، درصد بی‌فرزندگی بین زنان مورد مطالعه به‌طور معناداری کاهش پیدا می‌کند. بر اساس گزارش هزینه‌های کودکان برای خانواده‌ها^۱، قیمت مسکن بخش قابل توجهی از هزینه‌های کودکان را تشکیل می‌دهد (دتلینگ و کرنی^۲، ۲۰۱۴).

1- Expenditures on Childrens by Families Survey (2013)

2- Dettling & Kearney

جدول (۲): رابطه وضعیت بی‌فرزندی زنان با مشخصه‌های فردی و سکونت‌ی آن‌ها (کل)

P-value	آماره آزمون	تعداد	بی‌فرزند		متغیر
			خیر (درصد)	بلی (درصد)	
۱/۰۰	۰/۰۰	۲۶۱۸	۹۴/۷	۵/۳	۴۰ تا ۴۴ سال
		۲۱۷۱	۹۴/۷	۵/۳	۴۵ تا ۴۹ سال
۰/۵۹۰	۲/۸۱	۱۱۴۰	۹۳/۸	۶/۲	بی‌سواد
		۱۴۱۷	۹۵/۱	۴/۹	ابتدایی
		۷۳۹	۹۵/۱	۴/۹	سیکل/متوسطه
		۹۷۸	۹۵/۰	۵/۰	دیپلم / پیش‌دانشگاهی / حوزه مقدماتی
		۵۰۴	۹۴/۴	۵/۶	دانشگاهی
۰/۵۰۰	۰/۴۶۷	۱۰۳	۹۳/۲	۶/۸	مهاجر
		۴۶۸۶	۹۴/۷	۵/۳	غیر مهاجر
< ۰/۰۰۱	۲۳/۸۵	۷۷۵	۹۱/۱	۸/۹	شاغل
		۴۰۱۴	۹۵/۴	۴/۶	غیر شاغل

P-value	آماره آزمون	تعداد	بی‌فرزند		متغیر	
			خیر (درصد)	بلی (درصد)		
۰/۲۱۶	۱/۵۳۲	۳۷۳۴	۹۴/۵	۵/۵	شهر	محل سکونت
		۱۰۵۵	۹۵/۵	۴/۵	روستا	
۰/۸۵۲	۰/۰۳۵	۴۷۰۶	۹۴/۷	۵/۳	غیر محصل	وضعیت فعلی تحصیلی
		۶۹	۹۴/۲	۵/۸	محصل	
۰/۶۳۵	۰/۲۲۵	۹۵۳	۹۵/۱	۴/۹	آپارتمان	نوع محل سکونت خانوار
		۳۷۰۶	۹۴/۷	۵/۳	غیر آپارتمان	
۰/۵۷۴	۱/۱۱	۳۱۶۳	۹۴/۹	۵/۱	شخصی	نحوه تصرف محل سکونت خانوار
		۱۰۷۰	۹۴/۶	۵/۴	رهن	
		۴۱۷	۹۴/۸	۶/۲	سایر	
۰/۸۳۰	۰/۰۴۶	۴۳۳۶	۹۴/۷	۵/۳	یک خانوار	تعداد ساکن در مکان خانوار
		۴۵۳	۹۴/۵	۵/۵	دو خانوار و بیشتر	
۰/۰۱۵	۱۰/۵۲	۳۲۰	۹۴/۴	۵/۶	۶۴ و کمتر	مساحت زیربنای واحد مسکونی
		۹۸۴	۹۲/۸	۷/۲	۶۵ تا ۹۰	
		۱۵۴۸	۹۵/۵	۴/۵	۹۱ تا ۱۲۰	
		۱۷۸۲	۹۵/۲	۴/۸	بالاتر از ۱۲۰	

جدول (۳) برای بررسی روابط چند متغیری و پیش‌بینی بی‌فرزندگی طول عمر از رگرسیون لجستیک دووجهی استفاده شده است. سطح تحصیلات و وضعیت شغلی و محل سکونت متغیرهایی هستند که ارتباط معناداری با احتمال بی‌فرزندگی در میان زنان مورد مطالعه دارند. در این مطالعه احتمال بی‌فرزندگی در زنان بی‌سواد، در برابر گروه دانشگاهی و همچنین احتمال بی‌فرزندگی زنان شاغل، در برابر زنان غیر شاغل و احتمال بی‌فرزندگی در زنان شهری نسبت به زنان روستایی بیشتر است.

جدول شماره (۳): بررسی روابط چند متغیری و پیش‌بینی بی‌فرزندگی طول عمر از رگرسیون لجستیک دووجهی (کل)

متغیر	B	SE	P-value	نسبت شانس (OR)	فاصله اطمینان برای نسبت شانس (OR)	
					حد پایین	حد پایین
سن (مرجع: ۴۰-۴۴)	۰/۰۱۳	۰/۱۳۵	۰/۹۲۶	۱/۰۱۳	۰/۷۷۷	۱/۳۱۹
محل سکونت (مرجع: شهر)	-۰/۳۹۰	۰/۱۹۲	۰/۰۴۳	۰/۶۷۷	۰/۴۶۵	۰/۹۸۸
وضعیت مهاجرت (مرجع: غیر مهاجر)	۰/۰۲۳	۰/۴۷۲	۰/۹۶۱	۱/۰۲۳	۰/۴۰۶	۲/۵۸۰
تحصیلات (مرجع: دانشگاهی)						
بی‌سواد	۰/۷۲۸	۰/۲۸۹	۰/۰۱۲	۲/۰۷۱	۱/۱۷۶	۳/۶۴۶
ابتدایی	۰/۴۱۱	۰/۲۸۰	۰/۱۴۲	۱/۵۰۸	۰/۸۷۱	۲/۶۱۱
سیکل/متوسطه	۰/۳۱۱	۰/۳۰۱	۰/۳۰۱	۱/۳۶۴	۰/۷۵۷	۲/۴۵۹
دیپلم/پیش‌دانشگاهی / حوزه مقدماتی	۰/۳۳۵	۰/۲۷۳	۰/۲۲۰	۱/۳۹۷	۰/۸۱۹	۲/۳۸۴

فاصله اطمینان برای نسبت شانس (OR)		نسبت شانس (OR)	P-value	SE	B	متغیر
حد پایین	حد پایین					
۱/۹۴۸	۰/۲۳۱	۰/۶۷۱	۰/۴۶۳	۰/۵۴۴	-۰/۳۹۹	وضعیت فعلی تحصیلی (مرجع: محصل)
۰/۶۱۰	۰/۳۰۳	۰/۴۳۰	< ۰/۰۰۱	۰/۱۷۹	-۰/۸۴۴	وضعیت شغلی (مرجع: شاغل)
۱/۷۱۷	۰/۸۳۵	۱/۱۹۷	۰/۳۲۸	۰/۱۸۴	۰/۱۸۰	نوع محل سکونت خانوار (مرجع: آپارتمان)
نحوه تصرف محل سکونت خانوار (مرجع: سایر)						
۱/۳۰۹	۰/۵۴۵	۰/۸۴۴	۰/۴۴۹	۰/۲۲۴	-۰/۱۶۹	شخصی
۱/۳۳۸	۰/۵۰۲	۰/۸۱۹	۰/۴۲۵	۰/۲۵۰	-۰/۱۹۹	رهن
۱/۴۴۶	۰/۵۹۶	۰/۹۲۹	۰/۷۴۳	۰/۲۲۶	-۰/۰۷۴	تعداد خانوار ساکن در مکان (مرجع: بیشتر از یک خانوار)
مساحت زیربنای واحد مسکونی (مرجع: ۶۴ متر و کمتر)						
۲/۲۹۵	۰/۷۷۴	۱/۳۳۳	۰/۳۰۰	۰/۲۷۷	۰/۲۸۷	۶۵ تا ۹۰
۱/۳۳۱	۰/۴۵۳	۰/۷۷۶	۰/۳۵۷	۰/۲۷۵	-۰/۲۵۴	۹۱ تا ۱۲۰
۱/۴۰۰	۰/۴۸۲	۰/۸۲۱	۰/۴۶۹	۰/۲۷۲	-۰/۱۹۷	بالاتر از ۱۲۰

نتایج مطالعه در شهرستان‌های زیرمجموعه دانشگاه علوم پزشکی اهواز نشان داد که ۵/۴ درصد از زنان مورد بررسی، معادل ۱۶۴ نفر بی‌فرزند طول عمر بودند. دو متغیر وضعیت اشتغال و مساحت زیربنای محل سکونت با p-value کمتر از ۰/۰۵ رابطه معناداری با وضعیت بی‌فرزندی

داشته‌اند (۸/۳ درصد از زنان شاغل در برابر ۴/۸ درصد از زنان غیر شاغل بی‌فرزند طول عمر بودند. همچنین ۷/۵ درصد زنان ساکن در واحدهای مسکونی با مساحت زیربنای ۶۵ تا ۹۰ متر در برابر ۴/۶ درصد زنان ساکن در واحدهای مسکونی ۹۱ تا ۱۲۰ متر) بی‌فرزند طول عمر بوده‌اند. برای بررسی روابط چندمتغیری و پیش‌بینی بی‌فرزندى طول عمر از رگرسیون لجستیک دووجهی استفاده شده است جدول (۵)، نتایج نشان داد که فقط وضعیت شغلی زنان ارتباط معناداری با احتمال بی‌فرزندى آنان داشت. در این مطالعه احتمال بی‌فرزندى در افراد شاغل دو برابر بیشتر از افراد غیر شاغل بود.

جدول شماره (۴): رابطه وضعیت بی‌فرزندى زنان با مشخصه‌های فردی و سکونتى آن‌ها (اهواز)

P-value	آماره آزمون	تعداد	بی‌فرزند		متغیر	
			خیر (درصد)	بلی (درصد)		
۰/۳۹۲	۰/۷۳۳	۱۶۶۹	۹۴/۹	۵/۱	۴۰ تا ۴۴ سال	سن
		۱۳۶۲	۹۴/۲	۵/۸	۴۵ تا ۴۹ سال	
۰/۷۵۴	۱/۹۰	۷۴۰	۹۳/۶	۶/۴	بی‌سواد	وضعیت تحصیلی
		۸۷۹	۹۴/۸	۵/۲	ابتدایی	
		۴۲۵	۹۴/۶	۵/۴	سیکل/متوسطه	
		۶۵۱	۹۵/۲	۴/۸	دیپلم / پیش‌دانشگاهی / حوزه‌مقدمانی	
		۳۲۹	۹۴/۲	۵/۲	دانشگاهی	
۰/۴۸۸	۰/۴۸۰	۵۹	۹۶/۶	۳/۴	مهاجر	وضعیت مهاجرتی
		۲۹۷۲	۹۴/۵	۵/۵	غیر مهاجر	

P-value	آماره آزمون	تعداد	بی‌فرزند		متغیر	
			خیر (درصد)	بلی (درصد)		
۰/۰۰۲	۹/۹۱	۵۰۶	۹۱/۷	۸/۳	شاغل	وضعیت اشتغال
		۲۵۲۵	۹۵/۲	۴/۸	غیر شاغل	
۰/۱۴۳	۲/۱۵	۲۴۵۵	۹۴/۳	۵/۷	شهر	محل سکونت
		۵۷۶	۹۵/۸	۴/۲	روستا	
۰/۷۴۵	۰/۱۰۶	۲۹۷۷	۹۴/۶	۵/۴	غیر محصل	وضعیت فعلی تحصیلی
		۴۶	۹۵/۷	۴/۳	محصل	
۰/۵۴۶	۰/۳۶۴	۷۹۸	۹۵/۰	۵/۰	آپارتمان	نوع محل سکونت خانوار
		۲۱۵۱	۹۴/۴	۵/۶	غیر آپارتمان	
۰/۸۵۸	۰/۳۰۶	۱۹۵۹	۹۴/۵	۵/۵	شخصی	نحوه تصرف محل سکونت خانوار
		۷۲۱	۹۴/۹	۵/۱	رهن	
		۲۶۶	۹۴/۰	۶/۰	سایر	
۰/۴۴۹	۰/۵۷۲	۲۷۶۶	۹۴/۷	۵/۳	یک خانوار	تعداد خانوار ساکن در مکان
		۲۶۵	۹۳/۶	۶/۴	دو خانوار و بیشتر	
۰/۰۳۱	۸/۸۶	۱۸۶	۹۳/۵	۶/۵	۶۴ و کمتر	مساحت زیربنای واحد مسکونی
		۶۹۲	۹۲/۵	۷/۵	۶۵ تا ۹۰	
		۹۶۳	۹۵/۴	۴/۶	۹۱ تا ۱۲۰	
		۱۰۹۲	۹۵/۳	۴/۷	بالاتر از ۱۲۰	

جدول شماره (۵): بررسی روابط چند متغیری و پیش‌بینی بی‌فرزندگی طول عمر

از رگرسیون لجستیک دووجهی (اهواز)

فاصله اطمینان برای نسبت شانس (OR)		نسبت شانس (OR)	P-value	SE	B	متغیر
حد پایین	حد پایین					
۱/۵۷۳	۰/۸۱۹	۱/۱۳۵	۰/۴۴۶	۰/۱۶۶	۰/۱۲۷	سن (مرجع: ۴۰-۴۴)
۰/۹۶۲	۰/۳۵۳	۰/۵۸۳	۰/۰۳۵	۰/۲۵۶	-۰/۵۳۹	محل سکونت (مرجع: شهر)
۳/۰۹۹	۰/۱۷۴	۰/۷۳۴	۰/۶۷۴	۰/۷۳۵	-۰/۳۰۹	وضعیت مهاجرت (مرجع: غیر مهاجر)
تحصیلات (مرجع: دانشگاهی)						
۴/۰۸۵	۰/۹۹۱	۲/۰۱۳	۰/۰۵۳	۰/۳۶۱	۰/۶۹۹	بی‌سواد
۲/۸۶۸	۰/۷۲۳	۱/۴۴۰	۰/۳۰۰	۰/۳۵۲	۰/۳۶۴	ابتدایی
۳/۱۰۶	۰/۷۰۸	۱/۴۸۳	۰/۲۹۷	۰/۳۷۷	۰/۳۹۴	سبک/متوسطه
۲/۵۳۳	۰/۶۶۳	۱/۲۹۶	۰/۴۴۹	۰/۳۴۲	۰/۲۵۹	دیپلم / پیش‌دانشگاهی / حوزه مقدماتی
۳/۹۹۱	۰/۲۰۲	۰/۸۹۷	۰/۸۸۷	۰/۷۶۱	-۰/۱۰۸	وضعیت فعلی تحصیلی (مرجع: محصل)
۰/۶۹۵	۰/۲۹۴	۰/۴۵۲	< ۰/۰۰۱	۰/۲۱۹	-۰/۷۹۴	وضعیت شغلی (مرجع: شاغل)
۱/۸۵۴	۰/۸۰۹	۱/۲۲۵	۰/۳۳۷	۰/۲۱۲	۰/۲۰۳	نوع محل سکونت خانوار (مرجع: آپارتمان)
نحوه تصرف محل سکونت خانوار (مرجع: سایر)						
۱/۶۴۳	۰/۵۴۲	۰/۹۴۳	۰/۸۳۷	۰/۲۸۳	-۰/۰۵۸	شخصی

فاصله اطمینان برای نسبت شانس (OR)		نسبت شانس (OR)	P-value	SE	B	متغیر
حد پایین	حد پایین					
۱/۴۸۴	۰/۴۲۸	۰/۷۹۷	۰/۴۷۵	۰/۳۱۷	-۰/۲۲۷	رهن
۱/۴۲۲	۰/۴۸۲	۰/۸۲۸	۰/۴۹۴	۰/۲۷۶	-۰/۱۸۹	تعداد خانوار ساکن در مکان (مرجع: بیشتر از یک خانوار)
مساحت زیربنای واحد مسکونی (مرجع: ۶۴ متر و کمتر)						
۲/۴۷۳	۰/۶۶۰	۱/۲۷۸	۰/۴۶۷	۰/۳۳۷	۰/۲۴۵	۶۵ تا ۹۰
۱/۳۲۲	۰/۳۴۹	۰/۶۷۹	۰/۲۵۵	۰/۳۴۰	-۰/۳۸۷	۹۱ تا ۱۲۰
۱/۳۲۸	۰/۳۵۵	۰/۶۸۶	۰/۲۶۳	۰/۳۳۷	-۰/۳۷۷	بالاتر از ۱۲۰

با توجه به تعدد جداول فقط جداول شهرستان‌های زیرمجموعه اهواز (جدول ۴ و ۵) را ارائه دادیم. نتایج سایر شهرستان‌های موردبررسی به شرح زیر بوده است: در شهرستان آبادان متغیرهای وضعیت اشتغال و مهاجرت افراد، در شهرستان دزفول وضعیت اشتغال، در شهرستان بهبهان وضعیت فعلی تحصیلی زنان رابطه معناداری با متغیر وضعیت بی‌فرزندی زنان داشته‌اند. قابل‌ذکر است که هیچ‌کدام از متغیرهای مستقل ارتباط معناداری با وضعیت بی‌فرزندی زنان در شهرستان شوشتر نداشته است.

بحث و نتیجه‌گیری

باروری زیر سطح جانشینی نشان‌دهنده گرایش به فرزندآوری پایین و کم‌فرزند خواهی است. در این شرایط بررسی و مطالعه بی‌فرزندی اهمیت دوچندان پیدا می‌کند. بی‌فرزندی که به دو شکل ارادی یا داوطلبانه و غیرارادی یا غیر داوطلبانه مطرح می‌شود در این شرایط می‌تواند کانون توجه قرار بگیرد. بی‌فرزندی، پیش‌بینی‌کننده انزوای اجتماعی و تنهایی در سنین بالا است. بی‌فرزندی به‌عنوان یک پدیده اجتماعی و راهی برای انطباق با تغییرات اجتماعی، به موضوع مهمی در مطالعات جمعیتی-اجتماعی تبدیل شده است که می‌تواند تأثیرات مهمی بر روی روابط زوجین، وضعیت

روانی آنان و زندگی اجتماعی‌شان داشته باشد. اگرچه هویت زن معمولاً با فرزندآوری گره خورده است، اما روند بی‌فرزندگی در بین زوجها رو به افزایش است. در مطالعه حاضر تلاش شد بی‌فرزندگی طول عمر را در دو گروه سنی ۴۴-۴۰ سال و ۴۹-۴۵ سال مورد بررسی قرار دهیم. نمونه آماری شامل زنان ۴۹-۴۰ ساله ساکن در استان خوزستان (اهواز، آبادان، دزفول، بهبهان و شوشتر) بود. در ادوار گذشته همواره باروری در استان خوزستان نسبت به سایر استان‌های کشور بالاتر بوده است؛ اما به نظر می‌رسد تحت تأثیر تحولات اقتصادی اجتماعی رخ داده استان خوزستان نیز روند مشابهی با روند کلی حاکم بر باروری در کشور در پیش گرفته به طوری که حتی بر اساس یافته‌های این مطالعه ۵/۳ درصد از زنان ۴۹-۴۰ ساله ساکن در این استان، بی‌فرزند طول عمر هستند؛ یعنی تا پایان طول دوره تولیدمثل صاحب فرزندگی نشده و نخواهند شد.

نتایج روابط دو متغیری بیانگر وجود رابطه معنادار بین متغیرهای مستقل و بی‌فرزندگی زنان بوده است. نتایج تحلیل چند متغیره (رگرسیون لجستیک) نشان داد سطح تحصیلات، وضعیت اشتغال و محل سکونت، متغیرهایی هستند که ارتباط معناداری با احتمال بی‌فرزندگی در میان زنان مورد مطالعه دارند. در این مطالعه احتمال بی‌فرزندگی در افراد شاغل دو برابر بیشتر از افراد غیر شاغل است. در واقع زنان در انتخاب سبک زندگی‌شان، اشتغال به کار در خارج از منزل را به پرورش فرزند ترجیح داده و دیرتر از هر زمانی بچه‌دار می‌شوند. همچنین نتایج حاصله با تئوری مدرنیزاسیون و تساوی جنسیتی نیز همخوانی دارد. گسترش و همگانی شدن تحصیلات، یکی از ره‌آورد‌های مهم نوسازی است. در بسیاری از مطالعات نشان داده شده است که افزایش تحصیلات افراد، بسیاری از عوامل مهم مرتبط با ازدواج نظیر نحوه انتخاب همسر، ازدواج و انتظار از روابط زناشویی را تحت تأثیر قرار داده است (محمودیان، ۱۳۸۳).

در تئوری مدرنیزاسیون این دیدگاه معتقد است، کاهش مولید به دلیل فرآیند صنعتی شدن، شهرنشینی و به‌طور کلی توسعه اقتصادی می‌باشد (منصوریان، ۱۳۸۵). نتایج حاصل در خصوص تأثیر شغل زنان بر باروری با مطالعات، میرانتهی ۲۰۰۹، رایلی^۱ ۲۰۰۸، آزادی ۱۳۹۲، فیروز ۱۳۹۵، رضایی ۱۳۹۱ همخوانی دارد. گسترش تحصیلات عالی در بین زنان، می‌تواند نسبت بی‌فرزندگی طول عمر را در آینده تا حدودی افزایش دهد. در واقع بر اساس نتایج مطالعه حاضر می‌توان گفت حضور اجتماعی زنان چه در حوزه اشتغال و چه در حوزه ادامه تحصیل بر فرزندآوری زنان تأثیر گذار بوده است. نتایج مطالعه حاضر نشان داد که با افزایش مساحت زیربنای واحد مسکونی،

درصد بی‌فرزندگی بین زنان مورد مطالعه را به‌طور معناداری کاهش می‌دهد. از نظر دیویس، زمانی که خانواده‌های بزرگ در معرض مشکلات و تنگناهای اقتصادی قرار می‌گیرند و نمی‌توانند از مزایای فرصت‌های فراهم‌شده از طریق توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی بهره‌مند گردند، تلاش می‌کنند با پاسخ‌های مختلف خودشان را با تغییرات به وجود آمده تطبیق دهند. افراد از طریق تأخیر در ازدواج یا افزایش مجرد یا اینکه از طریق کنترل باروری نکاحی با استفاده از وسایل پیشگیری از حاملگی یا سقط‌جنین عمدی و یا انتخاب بی‌فرزندگی، پاسخ می‌دهند.

تأثیر معنادار ویژگی‌های سکونت‌ی خانوار بر وضعیت بی‌فرزندگی، می‌تواند برنامه‌ریزی‌ها را به سمت خود جلب نماید. برنامه‌ریزی در راستای بهبود وضعیت مسکن هم از نظر قیمت و هم از نظر کیفیت به‌خصوص در میان زوجین و خانوارهای جوان می‌تواند مانع از افزایش نسبت بی‌فرزندگی در آینده شود.

منابع

- ◀ اسحاقی، محمد، سیده فاطمه محبی، شهربانو پاپی نژاد و زینب جهاندار، (۱۳۹۳). چالش‌های فرزندآوری زنان شاغل در یک مطالعه کیفی، زن در توسعه و سیاست، ۱۲، ش ۱.
- ◀ آشفته‌تهرانی، امیر، (۱۳۷۲). جامعه‌شناسی جمعیت، نمونه ایران، اصفهان، جهاد دانشگاهی اصفهان.
- ◀ آقایی هیر، توکل، مینا فرخی نگارستان و سیده صدیقه لطیفی مجره، (۱۳۹۵). فرزندآوری به‌مثابه مخاطره (مطالعه کیفی زمینه‌های کم‌فرزندگی در شهر تبریز)، مطالعات راهبردی زنان، ۱۹، ش ۷۳.
- ◀ بالاخانی، قادر، (۱۴۰۱). «مطالعه کیفی نگرش جوانان شهر اردبیل به سیاست‌های جمعیتی و فرزندآوری»، مطالعات راهبردی زنان، ۲۴، ش ۹۶.
- ◀ حسینی، حاتم، (۱۳۹۰). درآمدی بر جمعیت‌شناسی اقتصادی-اجتماعی و تنظیم خانواده، همدان، دانشگاه بوعلی سینا.
- ◀ سرایی، حسن، (۱۳۸۵). تداوم و تغییر خانواده در جریان گذار جمعیتی ایران، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ش ۲.
- ◀ _____، (۱۳۸۷). گذار جمعیتی دوم، با نیم‌نگاهی به ایران، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ش ۳.
- ◀ سووی، آلفرد، (۱۳۵۷). مالتوس و دو مارکس، ترجمه صدقیانی، ابراهیم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ◀ شیر، محمد و رسول صادقی، (۱۴۰۱). «باروری افتراقی در ایران: شواهدی از پیمایش شاخص‌های چندگانه جمعیت و سلامت ۱۳۹۴»، مطالعات راهبردی زنان، ۲۴، ش ۹۶.

◀ عباسی شوازی، محمد جلال، پیتر مک‌دونالد، میمنت حسینی چاوشی و زینب کاوه فیروز، (۱۳۸۱). بررسی دیدگاه زنان در مورد رفتارهای باروری در استان یزد با استفاده از روش‌های کیفی، نامه علوم اجتماعی، ش ۱۰.

◀ عباسی شوازی، محمد جلال و حاتم حسینی، (۱۳۸۸). تفاوت‌های قومی باروری در ایران: روندها و عوامل مؤثر بر آن، مجله جامعه‌شناسی ایران، د ۸، ش ۴.

◀ عباسی شوازی، محمد جلال، (۱۳۸۳). تحولات باروری در ایران، تهران: وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.

◀ عنایت، حلیمه و لیلیا پرینان، (۱۳۹۲). مطالعه رابطه جهانی شدن فرهنگی و گرایش به فرزندآوری، زن و جامعه، س ۴، ش ۲.

◀ فروتن، یعقوب، (۱۳۹۲). چالش‌های خانواده معاصر و نوگرایی با تأکید بر طلاق در فرآیند گذار جمعیتی، مسائل اجتماعی ایران، د ۴، ش ۲.

◀ فروتن، یعقوب، الهه سادات ایزدی و سمیه نعیمی، (۱۳۹۵). تمایلات فرزندآوری در شهرستان‌های بجنورد و گنبدکاووس، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، د ۱۶، ش ۶۲.

◀ محمودیانی، سراج‌الدین، (۱۳۹۹). بی‌فرزندگی طول عمر و همبسته‌های اقتصادی اجتماعی آن در بین زنان ساکن استان‌های با باروری خیلی پایین در ایران، فصلنامه پایش، جهاد دانشگاهی، د ۱۹، ش ۵.

◀ مرکز آمار ایران، (۱۴۰۱). شیب نزولی میزان باروری کل ایران از ۹۶ تا ۹۸، قابل دسترسی در:

➤ <https://www.amar.org.ir/Portals/0/News/1399/khabar%20barvari.pdf>

◀ مطلق، محمد اسماعیل، مجذوبه طاهری، محمد اسلامی و نصراله پورشیروانی داود، (۱۳۹۵). عوامل مؤثر بر ترجیحات باروری در زنان اقوام ایرانی، نشریه دانشکده پرستاری مامایی ارومیه، د ۱۴، ش ۶.

◀ میرزایی، محمد، (۱۳۸۴). جمعیت و توسعه با تأکید بر ایران، تهران، مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.

➤ Abbasi-Shavazi M. J, Morgan S. Ph, Hossein-Chavoshi M, McDonald P. (2009) Family change and continuity in Iran: Birth control use before first pregnancy. *Journal of Marriage and Family*, 71:1309-1324.

➤ Ahmadi, Seyed Ebrahim, Rafiey, Hassan, Sajjadi, Homeira & Farhad Nosratinejad (2019), "Explanatory Model of Voluntary Childlessness among Iranian Couples in Tehran: A Grounded Theory Approach" *Iranian Journal of Medical Sciences*, Volume 44, Issue 6 .

- ▶ Becker, G. & R. Barro. (1986). "Altruism and the Economic Theory of Fertility", *Population and Development Review*, (12).
- ▶ Çopur, Z and Tanya Koropecykj-Cox (2010), "University Students' Perceptions of Childless Couples and Parents in Ankara, Turkey", *Journal of Family Issues*, Volume 31, Issue 11.
- ▶ Dettling, L.J & Kearney, M.S. (2014). "House prices and birth rates: the impact of the real estate market on the decision to have a baby". *Journal of Public Economics*, vol. 110.
- ▶ Doyle, J و Pooley, J A and Lauren Breen (2012), "A phenomenological exploration of the childfree choice in a sample of Australian women" *Journal of Health Psychology*, Volume 18, Issue 3.
- ▶ Graham, M (2013), "Why are childless women childless? Findings from an exploratory study in Victoria, Australia". Deakin University.
- ▶ Inglehart, R; Noris, P. (2003). "The True Clash of Civilization", *Foreign Policy*, N.135.
- ▶ Larsen U.(1996). Childlessness, subfertility, and infertility in Tanzania. *Studies in Family Planning*; 27.
- ▶ Miettinen, A(2015), "Increasing childlessness in Europe: time trends and country differences", *Families and societies, working paper series*.
- ▶ Miranti, R, McNamara, J, Tanton, R and Mandy Yap (2009), "A narrowing gap? Trends in the childlessness of professional women in Australia 1986-2006" *Journal of Population Research* Vol. 26, No. 4.
- ▶ Ram, B. "Fertility Decline and Social Change: New Trends and Challenges", *Canadian Studies in population*, 30(2), (2003).
- ▶ Tanturri, Maria Letizia & Letizia Mencarini (2008), "Childless or Childfree? Paths to Voluntary Childlessness in Italy" *population and development review*, Volume34, Issue1.